

جُستاری در معنای «مولی» در حدیث غدیر

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان*

اشاره

امامیه برای اثبات امامت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به آیات و روایاتی استناد می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها آیه تبلیغ، آیه اکمال و حدیث غدیر است. خداوند در سال آخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال دهم هجری، هنگام ظهر روز ۱۸ ذی‌الحجه به پیامبر صلی الله علیه و آله مأموریت داد تا جانشین و امام بعد از خود را به مردم معرفی کند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۱ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند». روایات فراوانی از طریق فریقین^۲ وارد شده است که به وضوح نشان می‌دهد این آیه درباره ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام نازل شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای انجام این مأموریت، در محلی به نام غدیرخم و در میان انبوه حاجیان که تعداد آن‌ها را بیش از ۱۰۰ هزار نفر نوشته‌اند، خطبه مهم و سرنوشت‌ساز غدیر را

* دکتری ادیان و عرفان. کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. مائده: ۶۷.

۲. علی بن احمد واحدی نیشابوری؛ اسباب النزول؛ ص ۱۵۰؛ محمد بن عمر فخر رازی؛ التفسیر الکبیر؛ ج ۱۲، ص ۴۹؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ الفصول المهمّة فی معرفة احوال الائمه علیهم السلام؛ ص ۲۷؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور؛ ج ۲، ص ۲۹۸؛ محمد بن علی شوکانی؛ فتح القدر؛ ج ۳، ص ۵۷؛ سلیمان بن ابراهیم قندوزی؛ ینابیع المودّة؛ ص ۱۲۰.

ایراد فرمود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این خطبه، امام علی عَلِيٌّ را به عنوان جانشین و امام مسلمین معرفی کرد. فهم صحیح کلام قرآن و حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ متوقف بر فهم واژگانی است که در متن کلام به کار رفته است. اگر انسان به معانی کلمات آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند به مقصود و هدف گوینده کلام پی ببرد. گاهی اوقات کلمات دارای معانی مترادف و گاهی متفاوت و متضاد هستند و برای پی بردن به مقصود اصلی گوینده، باید از شواهد و قرائن درونی و بیرونی سخن کمک گرفت. بر همین اساس، این نوشتار درصدد است از راه تبیین معانی الفاظ این خطبه نورانی به‌ویژه واژه «مولی» و تشریح شواهد و قرائن، دلالت حدیث غدیر را بر امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ اثبات نماید.

متن حدیث غدیر

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بخشی از خطبه غدیر می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» ای مردم چه کسی نسبت به مسلمانان از خود آن‌ها سزاوارتر است؟». گفتند خدا و رسول خدا. آن حضرت فرمود:

أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ
وَإِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ...؛ هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی مولا و رهبر اوست.
خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار. محبوب بدار آن
کس را که او را محبوب دارد و مبغوض بدار آن کس را که او را مبغوض دار.
یارانش را یاری کن و آن‌ها را که ترک یاری‌اش کنند، از یاری خویش محروم ساز.

سپس فرمود: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرِ الْغَائِبِ وَالْوَالِدِ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ حاضران باید این سخن را به غائبان برسانند و پدران موظفند تا روز قیامت این سخن را برای فرزندان‌شان بازگو کنند».

بعد از آنکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امر خداوند وصایت و امامت علی عَلِيٌّ را به مردم اعلان فرمود، هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه اکمال نازل شد:^۲

الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ أَحْسُونِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ

۱. عبدالحسین امینی؛ الغدیر؛ ج ۱، ص ۳۵.

۲. عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۱، ص ۲۰۱؛ قاضی نورالله شوشتری؛ احقاق الحق؛ ج ۳، ص ۳۲۰ و ج ۶، ص ۳۳۵.

أَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا^۱ امروز کافران از (زوال) آیین شما مأیوس شدند؛ بنابراین از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.^۲

آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَاتِّمَامِ النَّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَبِالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي»^۳ خداوند بزرگ است، همان خدایی که آیین خود را کامل و نعمت خود را بر ما تمام کرد و از نبوت و رسالت من و ولایت علی پس از من راضی و خشنود گشت.

تبیین دو دیدگاه درباره حدیث غدیر

از نظر تاریخی درباره حدیث غدیر و به‌ویژه درباره معنای کلمه «مولى» دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد:

الف) علما و اندیشمندان شیعه معتقدند پیامبر ﷺ در این حدیث امام علی را ولی و جانشین بلافصل خود معرفی فرموده است؛ زیرا لفظ «مولى» به معنای «اولی به تصرف» و «ولئى و سرپرست و اختیاردار» است.

ب) علما و اندیشمندان اهل سنت معتقدند لفظ «مولى» به معنای «مُحِب» و «ناصر» است؛ بنابراین پیامبر ﷺ در این خطبه به مردم سفارش می‌کند که پس از وی، علی را دوست بدارند و یاری کنند.

برای تبیین تفاوت میان این دو دیدگاه، توجه به این مطلب ضروری است که قرآن کریم درباره پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۴ پیامبر نسبت به جان مؤمنان از خودشان سزاوارتر است». مطابق این آیه شریفه «کسی که از

۱. مائده: ۳.

۲. محمد رشید رضا؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۶، ص ۱۵۵: یهودی از خلیفه دوم در مورد آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» سؤال می‌کند که چه روزی است و می‌گوید که اگر ما گروه یهود، چنین چیزی در کتابمان داشتیم، آن روز را عید می‌گرفتیم.

۳. احمد بن علی خطیب بغدادی؛ تاریخ بغداد؛ ج ۸، ص ۲۹۰؛ علی بن حسن ابن عساکر شافعی؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۱۲، ص ۲۳۵؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ ج ۱، ص ۵۳؛ عبدالحسین امینی؛ الغدیر؛ ج ۱، ص ۴۵۰.

۴. احزاب: ۶.

خود انسان، نسبت به او شایسته‌تر و سزاوارتر باشد؛ طبعاً نسبت به تصرف در سایر امور او نیز چنین خواهد بود و لازمه برخورداری از چنین اولویتی، ولایت مطلقه است که اطاعت امر و نهی را به دنبال می‌آورد.^۱

شیعه معتقد است «مولی» در حدیث غدیر، به معنای «اولی» در آیه فوق است؛ یعنی اولی به تصرف؛ از این رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطابق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله به جز مقام نبوت و رسالت، سایر مناصب پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد و «در عصر خود پیشوای امت و رهبر جامعه و اولی به تصرف در جان و مال مردم بوده است و این، همان مقام شامخ و رفیع امامت است که گاهی به آن، ولایت الهیه (ولایتی که از جانب خداوند به افراد خاصی در مقیاسی وسیع عطا می‌گردد) گفته می‌شود».^۲ آشکار است که فقط انسان‌هایی می‌توانند به مقام رفیع ولایت مطلقه برسند که در اوج کمال و قرب الهی باشند.

بنابراین اگر «مولی» به معنای «اولی به تصرف» باشد، مولی یعنی کسی که در تمام شؤون امامت مطلقه و ولایت دارد و اطاعت از او، همانند اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب است. اگر «مولی» به معنای «ناصر» و «محب» باشد؛ در این صورت حدیث غدیر فقط به این معنی است که امام علی علیه السلام همانند سایر مؤمنان بر برداران مؤمن خود این حق را دارد که او را دوست بدارند و از او حمایت کنند.

برای اثبات دیدگاه شیعه باید به دو مطلب پردازیم:

۱. ثابت کنیم که در لغت عرب، لفظ «مولی» به معنی «اولی به تصرف» و «ولی» و سرپرست و اختیاردار» به کار رفته است؛
۲. با قرائن و شواهدی ثابت کنیم که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از به کار بردن لفظ «مولی»، همان «اولی به تصرف» و «ولی و سرپرست» است.

معنای مولی در لغت و قرآن

واژه مولی از ریشه «ولی» (به سکون لام) در لغت، به معانی گوناگونی مانند ناصر، همسایه، دوست، آزادکننده و آزادشده، هم‌قسم، هم‌پیمان، ولی و سرپرست، اولی به

۱. جعفر سبحانی؛ راهنمای حقیقت؛ ص ۳۲۶.

۲. همان.

تصرف و صاحب اختیار به کار رفته است.^۱ به گفته لغت‌شناسان در همه معانی این واژه، معنای نزدیکی و قرب در آمیخته است؛^۲ نزدیکی و قربی که سبب جواز نوع خاصی از تصرف، مالکیت و تدبیر می‌شود؛ مانند «ولّى میت» که بعد از مرگ در اموال او تصرف می‌کند و یا «ولّى صغیر» که می‌تواند در شؤون مالی صغیر اعمال تدبیر کند و یا «مولى العبد» که صاحب‌اختیار عبد و از همه کس نسبت به تدبیر عبد و تصرف در او، اولی و سزاوارتر است.

در قرآن نیز لفظ مولى به معنای اولی به تصرف و ولّى و سرپرست به کار رفته است؛ برای مثال خداوند می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ لَا يُؤَخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»^۳ پس امروز (رستاخیز) نه از شما فدیة‌ای پذیرفته می‌شود و نه از کافران؛ و جایگاه شما آتش است و آن، برای شما اولی و سزاوار است و چه بد جایگاهی است». به گفته مفسرین لفظ مولى در این آیه، به معنای اولی است: «النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ أَيْ أُولَى لَكُمْ لِمَا أَسَأَلْتُمْ مِنَ الدُّنْيَا»^۴ آتش به دلیل گناہانی که مرتکب شده‌اید، شایسته و سزاوار شماست». همچنین در آیه «يَدْعُوا لِمَنْ صَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبَيْتِ الْمَوْلَى وَ لِبَيْتِ الْعَشِيرِ»^۵ کسی (بت) را می‌خواند که زیانش از نفعش نزدیک‌تر است؛ چه ولّى و مصاحب بدی است»، لفظ مولى به معنی ولی است؛ زیرا بت‌پرستان بت‌های خود را ولی خود می‌خواندند.^۶

بنابراین لفظ مولى در لغت به معنای «اولی به تصرف» و «ولّى و سرپرست» به کار رفته است، اما آیا در حدیث غدیر نیز لفظ مولى به همین معانی است یا نه؟ برای

۱. احمد بن زکریا ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۶، ذیل واژه؛ مبارک بن محمد ابن اثیر؛ النہایة فی غریب الحدیث و الاثر؛ ج ۵، ذیل واژه.

۲. احمد بن زکریا ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ ج ۶، ذیل واژه؛ محمود بن عمر زمخشری؛ اساس البلاغہ؛ ذیل واژه..

۳. حدید: ۱۵.

۴. محمد بن عمر فخر رازی؛ تفسیر الکبیر؛ ج ۲۹، ص ۲۲۷؛ حسین بن مسعود بغوی؛ معالم التنزیل؛ ج ۸، ص ۲۹؛ محمود بن عمر زمخشری؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ج ۴، ص ۴۷۶؛ عبدالرحمن بن علی ابن جوزی؛ زاد المسیر؛ ج ۸، ص ۱۶۸.

۵. حج: ۱۳.

۶. جعفر سبحانی؛ راهنمای حقیقت؛ ص ۳۲۵.

پاسخ به این سؤال باید به سراغ شواهد و قرائن برویم و از آن طریق اثبات کنیم که مراد رسول خدا ﷺ از حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً» چه بود.

قرائن و شواهد دلالت لفظ مولی بر ولایت و سرپرستی

برخی قرائن و شواهد به روشنی اثبات می‌کنند که مقصود از مولی، اولی به تصرف و یا ولی و صاحب مقام ولایت در تمام شؤون است که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. فهم مخاطبان خطبه غدیر

یکی از استدلال‌های امامیه، فهم حاجیانی است که مخاطب خطبه رسول خدا ﷺ بودند. فهم همه آن‌ها از بیانات رسول خدا ﷺ، نصب جانشینی امام علی عَلِيٌّ بود. یکی از شعرایی که در روز واقعه تاریخی غدیر حضور داشت، حسان بن ثابت شاعر رسول خدا ﷺ بود. او با کسب اجازه از محضر پیامبر ﷺ برخاست و مضمون کلام پیامبر ﷺ را در قالب شعر بیان، و به جای لفظ مولی، از کلمه امام و هادی استفاده کرد:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ	بِخُمْ فَأَسْمِعِ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا
وَقَالَ فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيِّكُمْ	فَقَالُوا وَلَمْ يُبَدُوا هُنَاكَ التَّعَامِيَا
إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَلِيُّنَا	وَمَا لَكَ مِنَّا فِي الْوِلَايَةِ عَاصِيَا
فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي	رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامَا وَهَادِيَا
فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا وَلِيُّهُ	فَكُونُوا لَهُ أَنْصَارَ صَدَقَ مَوَالِيَا... ^۱

پیامبر ﷺ در روز غدیر به مسلمانان ندا کرد و گفت: «نبی و مولای شما کیست؟». بدون هیچ‌گونه درنگی گفتند: «خداوند مولای ماست و تو، ولی ما و از ما در این زمینه نافرمانی نخواهی دید». پیامبر ﷺ به علی عَلِيٌّ فرمود: «برخیز که تو بعد از من، پیشوا و هادی این خلقی؛ هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و بر شماس است که به راستی پیرو او باشید».

۲. حدیث تهنئه

وقتی رسول خدا ﷺ، امام علی عَلِيٌّ را به عنوان مولی و جانشین خود معرفی کرد،

۱. عبدالحسین امینی؛ الغدیر؛ ج ۱، ص ۶۰۹.

فرمود: «وَسَلِّمُوا عَلَيَّ يَا مَرْءَةَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم! به علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام و تبریک بگویید». بعد از امر رسول خدا صلی الله علیه و آله، حاضران به امام علی علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین تبریک و تهنیت گفتند. علمای اهل سنت نیز این حدیث را در کتب خود ذکر کرده‌اند.^۱ برخی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین گفتند: «يَخَّ بَيْحَ لَكَ يَا ابْنَ أَبِيطَالِبٍ، أَصَبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ؛ آفرین بر تو باد، آفرین بر تو باد، ای فرزند ابوطالب! تو مولای من و تمام مردان و زنان با ایمان شدی».

۳. هماهنگی صدر و ذیل حدیث غدیر

رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر پیش از آنکه به ولایت امام علی علیه السلام تصریح کند، فرمود: «إِيهَا النَّاسُ! مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟». عبارت «اولی بکم»، اشاره به اولویت و اختیاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنین دارد. معنای اولویت پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که خواسته حضرت، بر خواسته مردم مقدم است. پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب‌اختیار و اولی به تصرف است و مردم باید از او اطاعت کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از این جمله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، مشخص است که در اینجا مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از مولی، همان اولویت و صاحب‌اختیاری است تا ارتباط معنوی جمله پیشین با جمله بعدی حفظ شود. در واقع پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد بگوید همان اولویت و اختیاری که من نسبت به شما دارم، برای علی علیه السلام نیز ثابت است.^۳

۴. استناد و احتجاج به حدیث غدیر

یکی از شواهد اعتبار سند و دلالت حدیث غدیر بر امامت، آن است که در موارد متعددی به این حدیث احتجاج شده است. برای مثال حضرت علی علیه السلام در حدیث معروف به «حدیث الإنشاد» در روز شورا (شورای شش نفره عمر)، ابتدا از فضایل خود و خاندانش سخن گفت و با حاضران با قید سوگند، احتجاج و استدلال نمود و جمع حاضر در هر مورد با سوگند سخنان حضرت را تأیید نمودند. در بخشی از این

۱. همان، ص ۵۰۸؛ علی بن حسن ابن عساکر شافعی؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۴۲، ص ۳۰۳.

۲. احمد بن علی خطیب بغدادی؛ تاریخ بغداد؛ ج ۸، ص ۲۹۰؛ عبدالحسین امینی؛ الغدیر؛ ص ۴۵۱؛ حسن بن یوسف حلی؛ نهج الحق و کشف الصدق؛ ص ۱۲۹.

۳. حسن بن یوسف حلی؛ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ ص ۱۹۲.

حدیث آمده است:

قَالَ: أَنْشَدُكُمْ بِاللَّهِ فَهَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَعَلَيْ مَوْلَاةٍ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ ذَلِكَ " غَيْرِي قَالُوا: لَا؛^۱ شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا در جمع شما غیر از من کسی هست که پیامبر ﷺ درباره او فرموده باشد: هر کس من رهبر و مولای او هستم، علی رهبر و مولای اوست؛ خدایا دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بشمار. حاضران باید این مطلب را به غائبان برسانند؟ اعضای شورا گفتند: به خدا سوگند، نه.

حضرت علی عليه السلام همواره در مقابل مخالفین خویش، به واقعه غدیر اشاره می‌کردند و از آن‌ها می‌خواستند که آن واقعه بزرگ و تعهداتی را که در آن روز به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سپرده‌اند، به یاد آورند. ایشان در اشعاری برای معاویه می‌نویسد:

فَأَوْجِبَ لِي وَوَلَايَتَهُ عَلَيْكُمْ
رسولُ الله يومَ غدِيرِ خُمِّ
فَوَيْلٌ لِّمَنْ وَبِلٌ ثُمَّ وَبِلٌ
لمن يلقى الإلهَ غداً بظلمى.^۲

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم، به امر خدا ولایت را بر شما واجب نمود؛ پس وای بر آنکه در روز بازپسین به ملاقات خدا رسد؛ در حالی که به من ظلم نموده باشد.

۵. نامعقول بودن دلالت لفظ مولى بر معنای دوست

یکی از شواهدی که دیدگاه شیعه را تقویت می‌کند، اینکه عقلانی و منطقی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن هوای گرم و سوزان حاجیان را ننگه دارد و به کسانی که جلوتر رفته‌اند، بگوید بازگردند و منتظر بمانند تا بقیه حاجیان هم از راه برسند و سپس به آنان بگوید: «هر کس من همسایه او هستم، این علی همسایه اوست؛ یا هر که من معیت (آزادکننده) او هستم، علی معیت اوست؛^۳ یا هر کس من دوست او هستم، علی نیز دوست اوست یا هر کس مرا یاری می‌کند، علی را نیز یاری کند». این معانی نمی‌تواند مراد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد؛ زیرا دوستی و برادری و یاری رساندن به یکدیگر، از روشن‌ترین مسائل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشت؛ چنانچه

۱. عبدالحسین امینی؛ الغدیر؛ ج ۱، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۲. همان، ص ۳۹۵.

۳. حسن بن یوسف حلّی؛ کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد؛ ص ۹۱.

قرآن می گوید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۱ مؤمنان برادر یکدیگرند». همچنین می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»^۲ مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور و دوستدار) یکدیگرند». بنابراین منظور پیامبر ﷺ، بیان مسئله بسیار مهم و اساسی اعلام ولایت و امامت علی عليه السلام و انتصاب او به این مقام بود.^۳ به جهت اهمیت بسیار بالای مسئله امامت است که خداوند در آیه تبلیغ با این لحن و تهدید با رسولش سخن می گوید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۴

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ *النهاية في غريب الحديث و الاثر*؛ تصحيح محمود محمد طناحي؛ چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ *زاد المسیر فی علم التفسیر*؛ تحقیق عبدالرزاق مهدی؛ چاپ اول، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن عساکر شافعی، علی بن حسن؛ *تاریخ مدینه دمشق*؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن فارس، احمد بن زکریا؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ تصحيح عبدالسلام محمد هارون؛ چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. امینی، عبدالحسین؛ *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*؛ چاپ اول، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۶ق.
۶. بغوی، حسین بن مسعود؛ *معالم التنزیل*؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*؛ تحقیق محمدباقر محمودی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة علیهم السلام*؛ تصحيح

۱. حجرات: ۱۰.

۲. توبه: ۷۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ *پیام قرآن*؛ ج ۹، ص ۱۹۰.

۴. مائده: ۶۷.

- محمد بن محمدالحسین القائینی؛ چاپ اول قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۹. حلی، حسن بن یوسف؛ *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*؛ با مقدمه و تعلیق جعفر سبحانی؛ چاپ اول قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
۱۰. _____؛ *نهج الحق و کشف الصدق*؛ قم، دارالهجرة، ۱۴۲۱ق.
۱۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: نشر دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۱م.
۱۲. رشید رضا، محمد؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۴ق.
۱۳. زمخشری، محمود بن عمر؛ *اساس البلاغه*؛ چاپ اول بیروت: دار صار، ۱۹۷۹م.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ تصحیح مصطفی حسین احمد؛ چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. سبحانی، جعفر؛ *راهنمای حقیقت (پرسش و پاسخ پیرامون عقاید شیعه)*؛ چاپ دهم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۲ش.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ *الإتقان فی علوم القرآن*؛ تحقیق فؤاد احمد زمرلی؛ چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۳۱ق.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ *الدّر المنثور فی التفسیر المأثور*؛ چاپ اول قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱. شوشتری، قاضی نورالله؛ *احقاق الحق*؛ با تعلیقه سید شهاب الدین حسین مرعشی نجفی؛ قم: منشورات مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. شوکانی، محمد بن علی؛ *فتح القادیر*؛ چاپ اول دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر*؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
۲۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ *ینابیع المودّة*؛ چاپ اول بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ق.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان؛ *پیام قرآن*؛ چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۲۲. واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ *اسباب النزول*؛ تحقیق کمال بیسونی زغلول؛ چاپ اول بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.